

در بعضی از مجموعه‌های حدیثی گردآوری شده‌است (برای نمونه ← حَمَدی، ج ۱، ص ۱۹۸-۲۰۰؛ طبرانی، ج ۴، ص ۲۳۸-۲۸۸).

در جریان فتوحات، نام او در جریان فتح اصفهان ذکر شده‌است (← ابوالشیخ، ج ۱، ص ۲۵۱؛ ابونعیم اصفهانی، ج ۱، ص ۴۴). بنابر روایتی، رافع در روزگار عثمان به امارت یمامه منصوب شد (← ابن شیبہ نمیری، ج ۳، ص ۹۷۰)، اما براساس نقلی که طبری (ج ۴، ص ۲۸۵) آورده‌است، او با عثمان اختلاف نظر داشت و عثمان او را تبعید کرد. در روایتی دیگر آمده‌است که در جریان محاصره خانه عثمان، او در مدینه بود و به همراه دو پسر و غلامش در آن حادثه حضور داشت و در دفاع از عثمان، زخمی که از جنگ احد در بدن داشت، تحریک شد (← ابوالشیخ، ج ۱، ص ۲۵۲؛ ابونعیم اصفهانی، ج ۱، ص ۶۸). برخی منابع او را از کسانی معرفی کرده‌اند که با علی علیه السلام بیعت نکردند (← طبری، ج ۴، ص ۴۳۰؛ مسعودی، ج ۳، ص ۹۷)، اما در منابع رجالی شیعه نام رافع در زمره اصحاب امام علی علیه السلام آمده‌است (برای نمونه ← طوسی، ص ۶۳؛ تفرشی، ج ۲، ص ۲۳۱). رافع در جنگ صفین، در سپاه علی علیه السلام بود (← ابن عبدالبر، ج ۲، ص ۴۸۰؛ ابن اثیر، ج ۲، ص ۲۲۵) و او را از شاهدان آن حضرت در نامه حکمیت دانسته‌اند (← نصرین مزاحم، ص ۵۰۷؛ دینوری، ص ۱۹۶).

ابن قتیبه (همانجا) وصفی از سیمای ظاهری او آورده‌است. رافع فرزندان متعدد داشت که ابن سعد (ج ۵، ص ۲۵۶-۲۵۸) نام آنها را ذکر کرده‌است. ابن اثیر (همانجا) در اشاره‌ای کلی گفته‌است بعدها از نسل او، کسانی در مدینه و بغداد بوده‌اند. شهرت اصلی رافع به سبب نزول آیه ۱۲۸ سوره نساء درباره اختلاف او و یکی از همسرانش، ام‌عمیس دختر مسلمة بن سلمه است. پس از آنکه رافع با دختری جوان ازدواج کرد، از او طلاق گرفت و سپس، با شرایطی با او مصالحه کرد. پس از مدتی آنها از یکدیگر جدا شدند و آیه در پی آن نازل شد (← صنعانی، ج ۶، ص ۲۳۸؛ ابن ابی شیبہ، ج ۳، ص ۳۲۸).

رافع به روایتی در ۷۳ و بنابر خبری دیگر، در ابتدای ۷۴ و در ۸۶ سالگی در مدینه درگذشت (← ابن قتیبه، ص ۳۰۷؛ ابن عبدالبر، همانجا؛ مزّی، ج ۹، ص ۲۵). ابن حجر عسقلانی (ج ۲، ص ۴۳۷) درگذشت او را در دوران معاویه (حک: ۴۱-۶۰) ارجح دانسته‌است، اما خبری که ابن سعد (ج ۲، ص ۳۷۲) درباره وصف رافع از ابن عباس (متوفی ۶۸) پس از درگذشت او آورده، مؤیدی است بر نادرستی گفته‌های ابن حجر عسقلانی و دیگر قائلان به درگذشت رافع در روزگار معاویه. خیر درگذشت او در اطراف مدینه اعلام شد و پس از گردآمدن مردم، عبدالله بن عمر

Fouad Ajami, *The varished Imam: Musa al Sadr and the Shia of Lebanon*, London 1986; *EP*², s.v. "Al-Rāfida" (by E. Kohlberg).

عبدالله عیسی لو و محمد زارع شیرین کندی /

MADDE YAYIMLANDIKTAN SONRA GELEN DOKÜMAN

03 Mart 2013

رافع بن خدیج، از صحابه و محدثان قرن اول. او از قبیله بنی حارثة اوس بود (← ابن قتیبه، ص ۳۰۶؛ ابن حجر عسقلانی، ج ۲، ص ۴۳۶). کنیه اش را ابو خدیج و ابو عبدالله گفته‌اند (← ابن قتیبه، همانجا؛ ابن عبدالبر، ج ۲، ص ۴۷۹). مادرش حلیمه دختر عروقه بن مسعود بن سنان بن عامر از بنی بیاضه بود (ابن عبدالبر؛ ابن حجر عسقلانی، همانجا). عموی، ظهیر بن رافع، در بیعت دوم عقبه حضور داشت (مزّی، ج ۱۳، ص ۴۶۹) و برادرش، رفاع بن خدیج، نیز از اصحاب پیامبر اکرم بود (ابن قتیبه، ص ۳۰۷). ابن اثیر (ج ۲، ص ۲۲۳-۲۲۴)، مزّی (ج ۹، ص ۲۲-۲۳) و ابن حجر عسقلانی (همانجا) سلسله نسب کامل او را نقل کرده‌اند که براساس آن، یکی از اجدادش حارث بن خزرج بن عمرو بوده و از همین رو، ابن عبدالبر (همانجا) به او نسبت خزرجی داده‌است.

رافع پس از ورود پیامبر به مدینه، اسلام آورد. به سبب سن کم او، پیامبر به رافع اجازه نداد در نبرد بدر شرکت کند (← واقعی، ج ۱، ص ۲۱؛ ابن عبدالبر؛ ابن حجر عسقلانی، همانجا). در جنگ احد نیز، پیامبر به همان سبب ابتدا با شرکتش در نبرد مخالفت کرد، اما با وساطت ظهیر بن رافع که او را تیراندازی ماهر معرفی کرد، اجازه شرکت در نبرد را یافت (← واقعی، ج ۱، ص ۲۱۶؛ طبرانی، ج ۱، ص ۲۰۹، ج ۴، ص ۲۳۹؛ برای روایتی دیگر در این باره ← طبری، ج ۲، ص ۵۰۵). در جنگ احد، تیری به شانه یا سینه رافع اصابت کرد که تا هنگام مرگ بخشی از آن در بدنش ماند. پیامبر او را آزاد گذاشت که یا نوک پیکان را از بدنش خارج کند یا بگذارد تیر در بدنش بماند تا پیامبر در روز قیامت به آن شهادت دهد که رافع گواهی دادن پیامبر را انتخاب کرد (← ابن قتیبه، ص ۳۰۶؛ طبرانی، ج ۴، ص ۲۳۹؛ ابن عبدالبر، ج ۲، ص ۴۷۹-۴۸۰). از آن به بعد، او در بیشتر نبردهای صدر اسلام شرکت داشت (← ابن عبدالبر، ج ۲، ص ۴۷۹) و پیامبر او را عریف یا ناظر قبیله عریف بن حارثه انتخاب کرد (← ابن اثیر، ج ۲، ص ۲۲۴؛ ابن حجر عسقلانی، ج ۲، ص ۴۳۶).

رافع از پیامبر و عمویش ظهیر حدیث نقل کرده‌است (← مزّی، ج ۹، ص ۲۳). کسانی چون ابن عمر، سائب بن یزید و جمعی از تابعین از او روایت کرده‌اند (← ابن عبدالبر، ج ۲، ص ۴۸۰؛ مزّی، ج ۹، ص ۲۳-۲۴). روایات رافع از پیامبر

RAFĪ B. HADĪC
HADĪC

Behcetül Meharil - I, 24 ✓

Râfi b. Hadîc ✓

İbn Hâzım, el-Fasl, c. IV, s. 166, 240

297.47

HAF

RAFĪ' B. HADĪC

(297.9. Kuz. m) ✓

Et-Me'ârif - (i. Kut) - 306 vd.

قدم أصبهان في خلافة عمر ، فأصاب بها عشرة أعبد .

وحدثناه محمد بن عبد الله بن ربيعة ، قال : ثنا عبد الله بن عمران ، قال : ثنا أبو داود (٢) ، قال : ثنا صيفي بن سالم ، عن عبد الحميد الأنصاري ،

(*) له ترجمة في « التاريخ الكبير » ٢٩٩/٣ للبخاري ، وفي « الثقات » لابن حبان ١٢١/٣ ، وفي « أخبار أصبهان » ٦٧/١ ، وفي « الاستيعاب » ٤٩٥/١ ، وفي « أسد الغابة » ١٥١/٢ ، وفي « تجريد أسماء الصحابة » ١٧٣/١ ، وفي « تاريخ الإسلام » ١٥٣/٣ ، وفي « سير النبلاء » ١٨١/٣ - وفيه : استصغر يوم بدر ، وشهد أحداً والمشاهد كلها ، وفي « الإصابة » ٤٩٥/١ ، وفي « التهذيب » ٢٢٩/٣ ، والخزرجي في « الخلاصة » ص ٩٨ . وخديج - بمعجمة مفتوحة - كما في « تبصير المنتبه » ٤١٨/١ يُكنى أبا عبد الله ، أو أبا خديج .

(١) على هامش الأصل ، بجوار اسم رافع هذه العبارة : (من هنا سمع عمرو صاحبنا) .

(٢) في أ-هـ : (داود) ، والتصويب من الأصل ، ومن « أخبار أصبهان » ٦٧/١ ، وهو الطيالسي . تراجم الرواة :

محمد بن عبد الله بن رسته ، تقدم في ح ٨ ت ٣ . لم يوثق ، ولم يجرح . وعبد الله بن عمران - سيأتي بترجمة رقم ٣٥ - صدوق .

أبو داود : وهو الطيالسي ، صاحب « المسند » ترجم له المؤلف . سيأتي برقم ٩٣ . صيفي بن سالم : لم أعثر له على ترجمة .

عبد الحميد : هو ابن رافع بن خديج الأنصاري الحارثي ، روى عن جدته .

قال ابن إدريس : وعن شعبة : كذا في « التاريخ الكبير » ٤٤/٦ ، وجدته لم أعرفها .

وعثمان : هو ابن عفان الخليفة الثالث ، تقدم في ح ١٤ ت ١٣ .

٢-٢

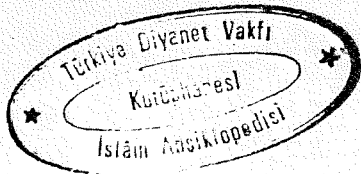
طبقات الحديثين بأصبهان

والواردين عليها

Rafic b. Hadie
(251-252)

لأبي محمد عبدالله بن محمد بن جعفر بن حبان
المعروف بأبي الشيخ الأنصاري
٢٧٤-٢٦٩ هـ

أحمد
بعض
المسائل



دراسة وتحقيق

عبد القفور عبد الحق حسين البلوسي

الجزء الأول

Türkiye Diyanet Vakfı	
İslâm Ansiklopedisi	
Kayıt No:	5617
Tasvir No:	922 973
	SEY.T

مؤسسة الرسالة

es-sulwâni, Derrâ
sehâbe fi menâkibi -
karâbeti ve's-sahâbe
(Tahk. Hüseyin b. Abdullah
el-Umerî) Dimçk
1404 / 1984.

Rafîc b. Hadîc

١٧٤١ رافع بن خديج بن رافع الأنصاري

الخزرجي المدني

(ت ٦٧٤ هـ / ٦٩٣ م)

صاحب النبي - ﷺ - استصغر يوم « بدر » وشهد أخذاً والمشاهد كلها وأصابه سهم يوم « أحد » فانتزعه فبقي النصل في لحمه إلى أن مات بآخر عمره . وكان عالماً بالزراعة وطرق الرّي .

روى جملة أحاديث وقيل إنه ممن شهد وقعة « صفين » مع علي . توفي سنة ثلاث وسبعين أو أول سنة أربع وسبعين وهو ابن ست وثمانين سنة .

مسند أحد : ٣٧٨/٦ ، طبقات خليفة : ١٨٥/١ ، الحبر : ٤١١ ، التاريخ الكبير : ٢٩٧/٢ ، المعارف : ٣٠٦ ،
المرج والتعديل : ٤٧٩/٣ ، مشاهير علماء الأمصار : ١٢ رقم ٢٩ ، المستدرک : ٥٦١/٣ ، الطبراني الكبير : ٢٨٧/٤ ، جهرة
أنساب العرب : ٣٤٠ ، الاستيعاب : ٤٧٧/٢ ، الجمع بين رجال الصحيحين : ١٢٩/١ ، أسد الغابة : ١٥١/١ ، تهذيب الأسماء
واللغات : ١٨٧/١/١ ، مرآة الجنان : ١٥٥/١ ، البداية والنهاية : ٢ / ٩ ، مجمع الزوائد : ٢٤٥/١ ، العبر : ٨٢/١ ، سير أعلام
النبيلاء : ١٨١/٣ ، تهذيب التهذيب : ٢٢٩/٣ ، الإصابة : ٨٥/٢ ، شذرات الذهب : ٨٢/١ .

فتيان والعبيد .. محبة لسان المسلمين
صفحات جهادية .. ومقارنات علمية .. حكايات ولا أجمل .. وبطولات



محتويات العدد

ولا أروع
تصدر في 1 و 15 من كل شهر

مطين
الموقع

قاء

الافتتاحية
سل فؤادي
صاحب الأذن
الواعية
التين
مسلمات خالذات
حكايات العم عز
الدين

جدتي
أنا فلسطين (2)
فتيان مؤمنون
الإخلاص
الحكيم والأشرار
قومي إلى الصلاة
كلمات ومعاني

يتيم
الصلاة
طارق أبو
الحصين
عزيزتي فتاة
المستقبل
الجزار الذنب
مهارات
نرسم وتلون
حكايات قبل النوم

فتيان مؤمنون

رافع بن خديج

أخذ رسول الله صلى الله عليه وسلم وصحابته الكرام، يتأهبون لغزوة أحد، فكان الصحابة يجودون بأموالهم وأرواحهم في سبيل الله، يتسابقون في البذل والعطاء تسابقاً قلّ نظيره في الوجود.

حتى الغلمان الصغار كان لهم نصيب الأسد في هذا التسابق، فكان أحدهم يتناول ويمد رقبتة كي يبدو أكبر سناً، حتى لا يردّه رسول الله صلى الله عليه وسلم لصغر سنه، ومن هؤلاء الأطفال الأبطال صديقنا رافع بن خديج، وهو دون الخامسة عشرة من سنه، ولكن رسول الله صلى الله عليه وسلم فطن لحيلة رافع اللطيفة، وردّه عن القتال لصغر سنه، وضعف بنيته.

اغرورقت الدموع في عيني رافع، وذهب مسرعاً إلى والده، يستنجد به، وما إن رآه والده حتى فهم سبب هذه الدموع الحرى، فقال لابنه رافع:

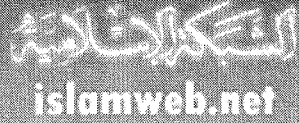
-سأشفع لك عند رسول الله صلى الله عليه وسلم ، بشرط أن تشفع لي يوم القيامة إذا نلت الشهادة.

Français

اتصل بنا

عن الشبكة

الرئيسية



الشبكة الإسلامية
islamweb.net

أدخل

مكتبة الشبكة



الصفحة

الاد
الي

اقسام المكتبة

الكتب

تراجم الاعلام

كتب الأمة



العرض الموضوعي

العبادات

المعاملات

العادات

الآداب الشرعية

أصول الفقه

تفسير القرآن

العقيدة

مصطلح الحديث

السيرة

التصوف والصوفية

المنطق

الأمم السابقة

التاريخ



الفتاوى

آيات قرآنية

أحاديث شريفة

الجماعات

الأنبياء

الأمم

الملكوت

بحث

ابحث عن علم:

أ	ا	ب	ت	ث	ج	ح	خ	د	ذ	ر	ز	س	ش
ص	ض	ط	ظ	ع	غ	ف	ق	ك	ل	م	ن	ه	و

رافع بن خديج

رافع بن خديج رافع بن خديج (ع)

ابن رافع بن عدي بن يزيد الأنصاري الخزرجي المدني ،
صاحب النبي -صلى الله عليه وسلم- .

استصغر يوم بدر ، وشهد أحدا والمشاهد ، وأصابه سهم
يوم أحد ، فانتزعه ، فبقي النصل في لحمه إلى أن مات ،
وقيل : إن النبي -صلى الله عليه وسلم- قال : أنا أشهد
لك يوم القيامة . روى جماعة أحاديث . وكان صحراويا ،
عالما بالمزراعة والمساقاة .

حدث عنه : بشير بن يسار ، وحنظلة بن قيس ، والسائب
بن يزيد ، وعطاء بن أبي رباح ، ومجاهد ، ونافع العمري ،
وابنه رفاع بن رافع ، وحفيده عباية بن رفاع ، وآخرون .
وقيل : إنه ممن شهد وقعة صفين مع علي .

قال خالد بن يزيد الهذلي - وهو ثقة - : أخبرنا بشر بن
حرب قال : كنت في جنازة رافع بن خديج ، ونسوة يبكين
ويولولن على رافع ، فقال ابن عمر : إن رافعا شيخ كبير لا
طاقة له بعذاب الله ، وإن رسول الله -صلى الله عليه
وسلم- قال : الميت يعذب ببكاء أهله عليه شعبة : عن
أبي بشر ، عن يوسف بن ماهك ، قال : رأيت ابن عمر
أخذ بعمودي جنازة رافع بن خديج ، فجعله على منكبه ،
يمشي بين يدي السرير ، حتى انتهى إلى القبر ، وقال :
إن الميت يعذب ببكاء الحي .

قلت : كان رافع بن خديج ممن يفتي بالمدينة في زمن

ما

أخبار

فلا

كتاب

رسائل

صناعات

مواهب

تحويلات

الأحوال

بحث

مد

كتاب

لواص

بحث

رافع بن خديج

ابن رافع بن عدي بن يزيد الأنصاري الخزرجي المدني صاحب النبي صلى الله عليه وسلم استصغر يوم بدر وشهد أحداً والمشاهد وأصابه سهم يوم أحد فانتزعه فبقي النصل في لحمه إلى أن مات وقيل إن النبي صلى الله عليه وسلم قال: "أنا أشهد لك يوم القيامة".

روى جماعة أحاديث وكان صحراوياً عالماً بالمزارعة والمساقاة. حدث عنه: بشير بن يسار وحنظلة بن قيس والسائب بن يزيد وعطاء بن أبي رباح ومجاهد ونافع العمري وابنه رفاع بن رافع وحفيده عباية بن رفاع وآخرون.

وقيل: إنه ممن شهد وقعة صفين مع علي.

قال خالد بن يزيد الهادي -وهو ثقة-: أخبرنا بشر بن حرب قال: كنت في جنازة رافع بن خديج وندسوة يبيكين ويولولن على رافع فقال ابن عمر: إن رافعاً شيخ كبير لا طاقة له بعذاب الله وإن رسول الله صلى الله عليه وسلم قال: "الميت يعذب ببكاء أهله عليه".

شعبة: عن أبي بشر عن يوسف بن ماهر قال: رأيت ابن عمر أخذ بعمودي جنازة رافع بن خديج فجعله على منكبه يمشي بين يدي

رافع بن اشرس

جریان از دلایل امامت آن حضرت، و وسیله شناخت مدعیان دروغین امامت از راستگویان است. جراح بن عبدالله از وی روایت کرده است.

منابع: اصول کاتبی، ۱۱ کتاب الحجة، باب ۸۱؛ جامع الرواة، ۳۱۵/۱؛ معجم رجال الحديث، ۱۵۹/۷. سید مهدی حائری

رافع بن سلمة بن زیاد بن ابی الجعد اشجعی،

مولای بنی اشجع از جمله راویان مورد وثوق و ارجمنده شیعه است. وی در خاندانی مورد وثوق و برومند پرورش یافت، و از دریای علوم و معارف اهل بیت عصمت کسب فیض نموده، و به محضر حضرت امام باقر و حضرت امام صادق (ع) راه یافت، و در عداد اصحاب ایشان قرار گرفت، او کتابی نیز داشته که بکیر ابن سالم روایتگر آن بوده است.

منابع: رجال، نجاشی، ۱۲۱؛ رجال، طوسی، ۱۹۴؛ معجم الرجال، ۵۱۳؛ جامع الرواة، ۳۱۵/۱؛ معجم رجال الحديث، ۱۶۰/۷. سید مهدی حائری

رافع بن عمرو غفاری ابو جُبیر، از راویان حدیث و

صحابی رسول اکرم (ص) بوده، که در صحیح مسلم از او حدیث آمده است. برادرش حکم بن عمرو غفاری نیز از صحابه پیامبر (ص) محسوب است (حکم بن عمرو غفاری). هر دو برادر به بصره رفتند و در آنجا سکونت کردند. اطلاع چندانی از زندگانی و گرایش رافع در دست نیست. بعضی از رجال نویسان عامه گفته‌اند: پسرش عمران و نیز عبدالله بن الضامت از او روایت کرده‌اند.

منابع: رجال، شیخ طوسی، ۱۹؛ الاصابه، ۴۹۸/۱؛ الاستیعاب، ۴۹۹/۱؛ جامع الرواة، ۳۱۵/۱؛ تنقیح المقال، ۴۲۲/۱؛ اعیان الشیعة، ۴۴۸/۶؛ معجم رجال الحديث، ۱۶۰/۷. سید مهدی حائری

رافع بن مالک بن العجلان خزرجی انصاری، از

صحابه پیامبر اکرم (ص) بوده، و یکی از نقبای انصار است که هنگام بیعت انصار پیامبر آنان را به اشاره جبرئیل تعیین فرمود. وی نخستین مسلمان شده از قبیله خزرج به شمار آمده، و یکی از شش نفر انصار است که در مکه به محضر رسول خدا (ص) شرفیاب شدند، و آن حضرت آنان را به دین اسلام دعوت کرد و قرآن بر آنان تلاوت فرمود و همگی مسلمان شدند و چون به مدینه بازگشتند حقایق اسلام را برای قوم خود بیان کردند، به طوری که هیچ خانه‌ای از انصار نماند جز اینکه نام پیامبر و دین اسلام در آن برده می‌شد. سال بعد دوازده نفر با پیامبر اکرم (ص) در عقبه ملاقات و

خدمت حضرت رسید و اجازه جنگ طلبید سپس به میدان رفت و پس از یک جنگ دلیرانه که بسیاری را به هلاکت رساند و جمع زیادی را زخمی نمود از طرف سپاه کوفه به محاصره درآمد و بعضی گفته‌اند که رافع با جنگ شجاعانه‌ای در عصر عاشورا به شهادت رسید رضوان الله علیه. امام (ع) بیکر مطهر او را از میدان جنگ خارج نموده و به خیمه مخصوص شهداء اصحاب (ع) منتقل فرمودند و بعد توسط بنی اسد در مقبره دسته جمعی شهداء کربلا در پایین پای حضرت ابا عبدالله الحسین (ع) به خاک سپرده شد (دائرة المعارف شیع، ۴۳۱).

منابع: ابصار العین، ۱۰۸؛ اعیان الشیعة، ۴۴۸/۶؛ فرسان الهیجاء، ۱۳۶؛ وسیله الدارین، ۱۳۶/۱؛ کربلا فی حاضرها و ماضیها، خطی. عبدالحسین شهیدی صالحی

رافع بن اشرس همدانی کوفی، از راویان حدیث

شیعه به شمار آمده است. شیخ طوسی او را از جمله اصحاب حضرت امام صادق (ع) نام برده است.

منابع: رجال، طوسی، ۱۹۴؛ معجم الرجال، ۵۱۳؛ جامع الرواة، ۳۱۴؛ تنقیح المقال، ۴۲۲/۱؛ معجم رجال الحديث، ۱۵۹/۷. سید مهدی حائری

رافع بن خدیج بن رافع انصاری اوسی (م) - حدود

۷۴ق)، از اصحاب حضرت رسول اکرم (ص) و حضرت امیر مؤمنان علی (ع). گویند که در غزوه بدر به علت کمی سن پیامبر اکرم (ص) به او اجازه نبرد ندادند، سپس در بیشتر جنگهای زمان آن حضرت شرکت کرد، و در غزوه احد تیری بر بدن او نشست که اثر زخم آن تا پایان عمر بر او باقی ماند. وی در زمان خلافت مولای متقیان علی (ع) نیز - همچون بیشتر اصحاب پیامبر اکرم (ص) - در جنگهای آن حضرت شرکت جست، و به دفاع از حریم ولایت پرداخت. جمعی از او حدیث آورده‌اند از جمله: مجاهد، و عطاء، و شعبی، و سلیمان بن یسار و حنظله بن قیس، و ... وی در شهر مدینه سکونت نموده و همانجا درگذشت.

منابع: رجال، طوسی، ۱۹، ۴۱؛ الاصابه، ۴۹۵/۱؛ الاستیعاب، ۴۹۵/۱؛ جامع الرواة، ۳۱۵/۱؛ اعیان الشیعة، ۴۴۷/۶؛ معجم رجال الحديث، ۱۵۹/۷. سید مهدی حائری

رافع بن سلمة، از جمله راویان حدیث شیعه بوده است.

وی محضر حضرت امیر المؤمنین علی (ع) را دریافته، و جریانی از جنگ نهروان - که از شاهدان عینی آن بوده - حکایت کرده، که آن

رَافِعُ بْنُ حَدِيقٍ

(١٢ ق هـ / ٦١١ م)

(المدينة ٧٤ هـ / ٦٩٣ م)

رافع بن حديق بن رافع بن عدي ، أبو عبد الله ، الأنصاري ، الأوسي ، الحارثي المدني ، الصحابي .

استصغره النبي صلى الله عليه وسلم يوم بدر فرده ، وأجازه يوم أحد فشاهدها. وشهد الخندق ، وأكثر المشاهد. أصابه سهم يوم أحد فنزعه ، وبقي نصله في جسمه إلى أن مات. استوطن المدينة ، وكان عريف قومه فيها ، وروي له ٧٨ حديثاً ، وانتقضت جراحته بعد ذلك فمات سنة ٧٤ هـ ، عن ست وثمانين سنة ، وقال البخاري : مات زمن معاوية سنة ٥٩ هـ ، وقال ابن حجر : وهو المعتمد ، وشهد صفين مع علي رضي الله عنهم ، وأخذ عنه كبار التابعين!!!

(١) الإصابة ١٨٦/١ ، أسد الغابة ٢/١٩٠ ، الاستيعاب ١/٤٩٥ ، تهذيب الأسماء ١/١٨٧ ،
الخلاصة ١/٣١٤ ، مشاهير علماء الأمصار ص ١٢ ، الأعلام ٣/٣٥ .